

تعارض قوانین ازدواج و طلاق در حقوق فرانسه و ایران

معصومه رحمانی نژاد^۱

چکیده

احوال شخصیه از پر اهمیت ترین مسائل مطرح شده در حقوق بین الملل خصوصی هر کشوری است که در برخی از کشورها احوال شخصیه افراد تابع قانون دولت متبوع آن هاست و در برخی دیگر از کشورها قاعده اعمال قانون اقامتگاه آن ها می باشد. ایران و فرانسه از کشورهایی هستند که احوال شخصیه افراد تابع قانون ملی آن هاست. نتایج نشان داد که قانون حاکم بر شرایط شکلی ازدواج در حقوق ایران از سوی قانونگذار تعیین گردیده، بدون آن که برای این شرایط در درستی ازدواج اعتباری شناخته شود و در حقوق فرانسه شرایط شکلی تابع قانون محل وقوع آن است. در حقوق ایران و فرانسه هر دو قاعده محل وقوع عقد تابع قاعده ای مستقل از محل وقوع است. همچنین شرایط ماهوی ازدواج ایران و فرانسه تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته و مبتنی بر تابعیت می باشد. همچنین در ارتباط با طلاق در حقوق ایران قانون حاکم بر طلاق زوجینی که اختلاف تابعیت دارند قاعده ای وضع نکرده و از نظر حقوق دانان ایرانی با توجه به وحدت ملاک ماده ۹۶۳ قانون مدنی بر اعمال قانون ملی شوهر می باشد و در حقوق فرانسه بین زوجینی که اختلاف تابعیت داشتند قانون اقامتگاه مشترک زوجین بود و در صورتی که زن و شوهر اقامتگاه مشترک نداشته باشند طلاق تابع قانون فرانسه است. در این مطالعه از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است.

واژگان کلیدی: احوال شخصیه، تعارض قوانین، ایران، فرانسه، ازدواج، طلاق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی، گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، فارس، ایران،
m.rahmami1107@gmail.com

در اغلب کشورها امروزه یک قانون بیشتر حکمفرما نیست. قانون واحد بر تمام اهالی ساکن هر قسمت باشند اعمال می شود. اتحاد قانون از اموری است که در قرن ۱۹ به تدریج در کشورهای مختلف عملی شده در زمان‌های پیش کشورها دارای قانون و تشکیلات دولتی واحد نبودند. ایالات و یا شهرهای مختلف در موضوع معین هر یک عادات و حقوق خاصی داشته و بین این عادات و حقوق های محلی غالباً تعارضی بین المللی قوانین پیش میامد منتهی این تعارض در یک کشور بین عادات و حقوق محلی یک ایالت یا شهر با ایالت یا شهر دیگر رخ می‌داد و در صورتی که تعارض های بین المللی در یک کشور بین قوانین آن کشور و قوانین کشور های دیگر صورت می‌گیرد (امینی، ۱۳۸۰: ۹۷۱).

هنگامی که یک مساله بین المللی مربوط به حقوق خصوصی مطرح می شود. قبل از هر چیز باید قانون مربوط به این مساله خاص تشخیص داده شود، اینکه قانون کدام کشورها است که به طریقی در موضوع دخالت دارند. مثلاً اگر یک مرد فرانسوی بخواهد در ایران ازدواج کند باید قبل از هر چیز بدانیم این ازدواج تابع قانون فرانسه خواهد بود یا تابع قانون ایران یا احياناً تابع قانون کشوری دیگر می باشد. به عبارتی دیگر باید تشخیص داده شود که ازدواج باید مطابق قانون مملکت متبوع شخص صورت گیرد یا طبق قانون محل انعقاد ازدواج یا احتمال دارد قانون اقامتگاه فعلی یا آتی طرفین حاکم باشد. نکته دیگر بحث تعارض قوانین تنها در مرحله اعمال و اجرای حق مطرح می شود و منطقاً مسبوق به مسئله داشتن یا اهلیت تمتع است همانگونه که مسئله اهلیت تمتع نیز مسبوق به تابعیت است (الماسی ۱۳۸۳: ۱۴۳).

احوال شخصیه در علم حقوق دارای اهمیت ویژه ای است. به همین جهت سعی شده که قانون و مقررات حاکم بر آن تا حد امکان ثابت بماند (نیساری، ۱۳۹۲: ۱). برخی از کشورها احوال شخصیه اتباع بیگانه را مشمول قانون دولت متبوع و برخی مشمول قانون اقامتگاه می دانند. در حقوق ایران احوال شخصیه بیگانگان در حدود معاهدات، تابع قوانین دولت متبوع آنها می باشد. این قاعده را اولین بار نویسندگان قانون مدنی فرانسه در مورد حل تعارض قوانین مطرح کردند و این راه حل را بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشورهای اروپایی پذیرفتند (نصیری ۱۳۷۷: ۱۶۲).

پیشینه تحقیق

مطالعات بسیاری در زمینه تعارض قوانین ازدواج و طلاق انجام گرفته شده که ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

نیساری در سال ۱۳۹۲ به بررسی تعارض قوانین ازدواج و طلاق در حقوق ایران و فرانسه پرداخت. وی در پایان نامه خود اشاره داشت که احوال شخصیه یکی از مهم ترین مسائل مطروحه در حقوق بین‌الملل خصوصی هر کشوری می‌باشد. در پاره‌ای از کشورها قاعده پذیرفته شده این است که احوال شخصیه افراد اصولاً تابع قانون دولت متبوع آن هاست و در برخی دیگر از کشورها قاعده اعمال قانون اقامتگاه نسبت به احوال شخصیه افراد مورد قبول واقع شده است. تعیین قانون حاکم بر ازدواج و طلاق در کشورهایی که احوال شخصیه را تابع قانون ملی افراد می‌دانند، مبتنی بر تعیین تابعیت افراد و حل مسائل پیرامون آن می‌باشد. از جمله این مسائل تعیین قانون حاکم بر ازدواج و طلاق افراد دارای تابعیت مضاعف، افراد بی‌تابعیت، پناهندگان و یا زوجین دارای تابعیت متفاوت می‌باشد که راه حل این قضایا ممکن است در حقوق هر کشور نسبت به کشور دیگر متفاوت باشد. با توجه به تحولاتی که در روابط بین‌المللی ایجاد گردیده کشورهایی مانند فرانسه که قاعده اعمال قانون ملی بر احوال شخصیه را پذیرفته‌اند با تصویب برخی مقررات از اصول مسلم قبلی فاصله گرفته و تعیین قانون حاکم را به اراده افراد واگذار نموده‌اند (نیساری، ۱۳۹۲: ۱).

الماسی در سال ۱۳۸۸ به بررسی تعارض چند قانون ملی در مورد ازدواج و طلاق پرداخت. او در مطالعه خود اشاره داشت که در مورد احوال شخصیه افراد، در حقوق بین‌الملل خصوصی کشورها دو راه حل متفاوت پیش بینی شده است. در پاره‌ای از کشورها قاعده پذیرفته شده آن است که احوال شخصیه افراد اصولاً تابع قانون دولت متبوع آن هاست و در برخی دیگر از کشورها قاعده اعمال قانون اقامتگاه نسبت به احوال شخصیه افراد مورد قبول واقع شده است. تعارض چند قانونی ملی، در دادگاه‌های کشورهای مطرح می‌شود که احوال شخصیه افراد را تابع قانون ملی (یا قانون دولت متبوع شخص) می‌دانند، همچنان که مساله تعارض تابعیت‌ها نیز که حل آن مقدم بر حل مساله تعارض چند قانون ملی است، در دادگاه‌های چنین کشورهایی قابل طرح است. تاثیر تابعیت در ازدواج و تاثیر ازدواج در تابعیت نیز در کشورهایی مطرح می‌شود که احوال شخصیه افراد تابع قانون دولت متبوع آن هاست. حقوق موضوعه ایران احوال شخصیه افراد را تابع قانون دولت متبوع آن‌ها قرار داده است (الماسی، ۱۳۸۸: ۱).

ذرعچی و مرندی در سال ۱۳۹۶ به بررسی تعارض قوانین در ازدواج و طلاق پرداختند. آنان در مطالعه خود اشاره داشتند که احوال شخصیه در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل خصوصی ایران

دارای اهمیت ویژه ای است. چون ازدواج و طلاق از مهم ترین موضوعات مطروحه در مبحث احوال شخصیه می باشند. در مورد ازدواج و طلاق، معلول تعارض قوانین تابعیت کشورها و در نتیجه معلول تابعیت مضاعف یا اختلاف تابعیت در روابط شخصی و خانوادگی است. مقایسه یا مقارنه حقوق بین الملل خصوصی کشورهای مختلف روشن می سازد که تعارض چند قانون ملی، راه حل های متفاوتی دارد. در صورت اختلاف تابعیت در روابط شخصی و خانوادگی، بعضی کشورها قاعده اعمال قانون اقامتگاه را پذیرفته اند و بعضی دیگر قاعده اعمال قانون ملی را اتخاذ کرده اند. کشور ما جز آن دسته از کشورهایی است که قانون ملی یا قانون دولت متبوع را اعمال می کنند. در صورتی که اعمال قانون ملی با مشکل مواجه شود در مورد ازدواج و طلاق زوجین دارای تابعیت متفاوت، در کشور ایران قانون متبوع شوهر قابل اعمال است و در مواردی که شخص بی تابعیت بوده و یا به هر دلیلی قانون ملی قابل اعمال نباشد قانون ایران به عنوان قانون مقر دادگاه اعمال می گردد (ذرعچی و مرندی، ۱۳۹۶: ۱).

مفهوم تعارض

تعارض در لغت، مصدر باب تفاعل از ریشه عرض به معنای ناسازگاری و تقابل در ایجاد ممنوعیت، یکدیگر را پیش آمدن، خلاف یکدیگر آمدن خبر و جز آن، معارضه کردن یکی با دیگری می باشد (پورمجاهد، ۱۳۹۵: ۹).

مفهوم تعارض قوانین

تعارض قوانین از مهم ترین مباحث حقوق بین الملل خصوصی می باشد و از پیدایش این رشته، تعارض قوانین همواره مبتلا به مردمی بود که به نحوی روابط خصوصی شان در سطح بین المللی مطرح می شد (پورمجاهد، ۱۳۹۵: ۱۴). در واقع مسئله تعارض قوانین زمانی مطرح می شود که یک رابطه مربوط به حقوق خصوصی به علت دخالت یک یا چند عامل خارجی مربوط به دو یا چند کشور می شود که در این صورت مطلوب ما تعیین قانون صلاحیت دار خواهد بود. تعارض قوانین منحصر به تعارض قوانین بین المللی نیست بلکه وراد حوزه قوانین داخلی نیز می شود و گاهی اوقات در یک مسئله بین قوانین داخلی یک کشور تعارض به وجود می آید و این حالت در مواردی خود را نشان می دهد که در کشوری وحدت قوانین وجود نداشته باشد به طوری که در قلمرو آن نسبت به مسائل واحدی قوانین متفاوتی با هم حکومت داشته باشند (الماسی، ۱۳۸۳: ۲۹).

مفهوم احوال شخصیه

برخی صاحب‌نظران معتقدند که احوال شخصیه تعریف روشنی ندارد اما حقوقدانان کوشیده اند، با ذکر مصادیق و نمونه هایی، آن را تعریف نمایند. تعریفی که از احوال شخصیه ارائه داده اند عبارت است از این که احوال شخصیه یا احوال شخصی در اصطلاح حقوقی به معنای اوصاف و خصوصیات است که وضع و هویت شخصی و حقوقی و تکالیف فرد را در خانواده و اجتماع معین می کند (شفایی، ۱۳۸۲: ۲۳۸).

در حقوق بین الملل خصوصی هر کشور، دسته های ارتباطی بسیار متنوعی نظیر احوال شخصیه، اموال، قراردادهای، اسناد، وقایع و اعمال حقوقی وجود دارد. از میان دسته های ارتباطی می توان به یکی از دسته های بزرگ ارتباطی به نام احوال شخصیه اشاره کرد. در اکثر کشورهای جهان، مصادیق بسیار گسترده ای از دسته ارتباطی احوال شخصیه وجود دارد که مهم ترین آن ها عبارتند از: اهلیت (ازدواج)، طلاق و آثار مترتب بر آن، روابط بین ابوبین و اولاد، ارث و وصیت و مسائل مشابه آن (نیساری، ۱۳۹۲: ۵).

احوال شخصیه از وضعیت و اهلیت تشکیل می شود که هر دو از مختصات شخصیت از جنبه خصوصی است. وضعیت عبارت است از کیفیتی که اشخاص از نظر قوانین جاری یک کشور دارا می باشد. به عبارت دیگر مجموع اوصاف حقوقی انسان مثل نکاح، طلاق، سن، نسب، حجر و ... می باشد (سوکی، ۱۳۸۷: ۲۸).

وضعیت

وضعیت منشا حقوق و تکالیف است و اموری را شامل می شود که قانون بر آن ها آثار حقوقی بار می کند، مثل عقد نکاح که برای زن و شوهر هم حق به وجود می آورد و هم تکلیف، حق مانند این که قانون مقرر می کند ریاست خانواده از خصایص شوهر است و در مقابل تکالیفی همانند این که نفقه زوجه بر عهده شوهر است (شفایی، ۱۳۸۲: ۲۳۰).

اهلیت

اهلیت به فارسی سزاواری و شایستگی است (شفایی، ۱۳۸۲: ۲۳۱) و عبارت است از صلاحیت قانونی برای دارا بودن حق و اعمال حق و فقدان اهلیت را حجر گویند. در حقوق موضوعه به طور کلی وضعیت و اهلیت با یکدیگر رابطه نزدیک دارند و لذا در حقوق بین الملل خصوصی تحت یک نوع از

قواعد هستند. بعضی از کشورها احوال شخصیه اتباع بیگانه را مشمول قانون دولت متبوع و برخی مشمول قانون اقامتگاه می دانند (سوکی، ۱۳۸۷: ۲۸).

تعارض قوانین ازدواج و طلاق در حقوق ایران و فرانسه

بر طبق اصول کلی، مسائل مربوط به احوال شخصیه در مورد اتباع بیگانه، مطابق رسوم و قوانین آنان حل و فصل می شود؛ اما این اصل کلی استثنائاتی دارد:

۱- در مورد نظم عمومی، یعنی هرگاه مقررات مربوط به احوال شخصی بیگانه برخلاف نظم عمومی کشور (محل اقامت بیگانه) باشد، شخص بیگانه حق استفاده از قوانین ملی خود را ندارد. بنابراین اگر اجرای قوانین خارجی برای نظام حقوقی کشور متبوع قاضی غیرقابل تحمل باشد، قاضی به استناد نظم عمومی، از اجرای آن قانون خودداری خواهد کرد، مانند نکاح بین محارم که چنانچه قانون یک کشور خارجی آن را جایز بداند و یکی از اتباع آن کشور بخواهد یکی از محارم خود را که مطابق قانون ایران نکاح بین آنان ممنوع است، به حباله نکاح خود درآورد، حکم به بطلان نکاح داده خواهد شد، اگر چه این نکاح در قانون دولت متبوع زوجین صحیح باشد.

۲- در موردی که تابعیت خود بستگی به احوال شخصیه پیدا کند، مانند این که امر تابعیت منوط به صحت نسب شود، در این صورت اعمال قانون ملی غیرممکن است و برای احتراز از مواجهه با یک دور منطقی، «قانون مقر دادگاه» اجرا می شود. همچنین اگر امر تابعیت منوط به صحت عمل شخصی باشد که اهلیت او مورد دعوی است، در این مورد هم قانون مقر دادگاه اعمال می شود.

۳- در مورد اشخاص بدون تابعیت، زیرا این افراد قانون ملی ندارند تا بر احوال شخصی آنان حکومت کند.

۴- در تعارض چند قانون ملی، و آن هنگامی رخ می دهد که در یک دعوی موضوع وضعیت و اهلیت چند نفر که تابعیت آنان متفاوت است، مطرح شود.

۵- یعنی در مواردی که قانون بیگانه، احوال شخصی او را به قانون دیگری مثلاً به قانون ایران ارجاع نماید، در این صورت دادگاه ایران قانون ایران را اجرا خواهد کرد (عزیزی، ۱۳۸۷: ۵۰).

تعارض قوانین ازدواج در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه شرایط ماهوی و شکلی ازدواج در دو فصل جداگانه از سوی قانونگذار تعیین گردیده و ثبت آن نزد مأمور ثبت احوال الزامی شناخته شده و به طور کلی برای آن شکل عرفی در نظر گرفته شده است. (ماده ۱۶۵ قانون مدنی فرانسه) (نیساری، ۱۳۹۲: ۳۶).

در حقوق فرانسه شرایط شکلی ازدواج در اصل تابع قانون محل وقوع آن است، اعم از ازدواج بیگانگان در آن کشور و یا ازدواج فرانسویان در کشورهای دیگر. در ماده ۱۷۰ قانون مدنی آن کشور درباره ازدواج فرانسویان در خارج قید شده: ازدواج منعقد میان فرانسویان با یکدیگر یا میان فرانسویان و بیگانگان در خارجه چنانچه تشریفات آن طبق معمول محل به درستی انجام شده باشد معتبر است به شرط آن که آگهی مقرر در ماده ۶۳ به عنوان اسناد سجلی درباره آن انتشار یافته و این که طرف فرانسویان شرایطی از قبیل رضایت در ازدواج، رضایت اولیا در مورد صغار ممیز و وظایف مأمور ثبت احوال در این باره است، دارا باشد. رویه قضایی آن کشور این قاعده قانونی را به ازدواج میان خود بیگانگان نیز تعمیم داده و در نتیجه بر حسب آن، در آن سرزمین ازدواج های با تشریفات محلی گوناگون، در مورد هر محل طبق تشریفات همان محل، مانند ازدواج های مذهبی و حتی ازدواج های صرف رضایی مانند آنچه که در شماری از ایالت های آمریکا مرسوم است و بر پایه زندگی مشترک و متعارف زن و مرد را با هم بی آن که برای آن تشریفات قائل گردند میان آن دو تلقی می نمایند، معتبر شناخته شده است (Batiffol et Lagard, T 2, 1981: 420).

در حقوق فرانسه به موجب قانون اصلاحی سال ۱۹۰۱ میلادی مأموران سیاسی و کنسولی آن کشور در کشورهایی که به موجب آیین نامه دولت فرانسه معین می شوند مجازند به اجرای مراسم ازدواج اتباع فرانسه مبادرت نمایند. دادگاه های داخلی فرانسه از این قاعده قانونی چنین استنتاج کرده اند که ازدواج های اتباع کشورهای بیگانه هم که تشریفات آن ها در فرانسه از سوی مأموران سیاسی و کنسولی آن کشورها به اجرا گذارده شده در آن کشور معتبرند (Batiffol et Lagard, T2, 1981: 423).

در حقوق فرانسه قاعده تعارض قوانین درباره شرایط ماهوی ازدواج با استناد به تبصره ۳ ماده ۳ قانون مدنی و نیز بند ۱ ماده ۱۷۰ همان قانون مبتنی بر تابعیت است و قاعده درباره شرایط شکلی بر اساس قانون محل اجرای تشریفات ازدواج می باشد. بین حقوق ایران و فرانسه در خصوص قانون حاکم بر شرایط ماهوی ازدواج تفاوت چندانی وجود ندارد (نیساری، ۱۳۹۲: ۴۰).

در حقوق فرانسه شکل ازدواج اتباع بیگانه در آن کشور تابع کشور فرانسه است و به لحاظ آن که در قانون آن کشور عقد ازدواج از عقود تشریفاتی است بیگانگانی که در قلمرو آن کشور ازدواج می کنند برای این که ازدواج آنان در آن سرزمین معتبر باشد باید آن را با مداخله مأمور ثبت احوال به انجام رسانند (نیساری، ۱۳۹۲: ۴۲).

تعارض قوانین ازدواج در حقوق ایران

یکی از مصادیق مهم دسته ارتباطی احوال شخصیه در حقوق ایران نکاح یا عقد ازدواج است. در حقوق ایران شاید در بدو امر این گونه تصور شود که با توجه به ماده ۱۸۳ قانون مدنی (تعریف عقد) علی القاعده با جمع این ماده و تبصره ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی می بایست نکاح را در زمره عقود توصیف نمود و بر پایه همین استدلال، وفق ماده ۹۶۸ قانون مدنی، قانون محل وقوع عقد یا قانون حاکمیت اراده را حسب مورد بر آن تحمیل نماییم ولی این تحلیل از لحاظ حقوقی صحیح نمی باشد. هر چند نکاح از دید قانون گذار ایران، عقد محسوب می گردد، لیکن تمایل قانون گذار ایران (با رعایت مواد ۶ و ۷ و ۹۶۳ قانون مدنی) همانند سایر قانون گذاران بر این تعلق گرفته است که این نوع خاص از عقود را از سایر عقود جدا کرده و در دسته احوال شخصیه توصیف نماید. به همین سبب این عقد خاص را تابع قانون دولت متبوع افراد می داند. بدین جهت است که عامل ارتباطی محل وقوع عقد و نیز اراده افرادی که عقد ازدواج را محقق نموده اند از دید قانون گذار ایران هیچ گونه تاثیری بر قانون صلاحتی دار و حاکم بر ازدواج نداشته و ندارد (نیساری، ۱۳۹۲: ۳۵).

شرایط شکلی ازدواج در حقوق ایران از سوی قانون گذار تعیین گردیده، بدون آن که برای این شرایط در درستی ازدواج اعتباری شناخته شود. این شرایط عبارتند از: ثبت ازدواج نزد دفاتر رسمی ازدواج و مقدمات لازم برای انجام آن، مانند حضور همسران آینده یا وکلای آنها و شهود و معرف ها نزد سردفتر و ارائه گواهینامه های پزشکی لازم، و سر انجام ثبت آن در اسناد سجلی هر یک از همسران (نیساری، ۱۳۹۲: ۳۵). در قانون مدنی ایران در ماده ۹۷۰ به مأموران سیاسی یا کنسولی دولت های بیگانه اجازه داده شده در ایران به اجرای عقد نکاح اتباع دولت های متبوع خود بپردازند، از سوی دیگر در ماده ۱۰۰۱ دستور داده شده مأموران کنسولی ایران در خارجه نسبت به ایرانیان مقیم حوزه مأموریت خود وظایفی را که به موجب قوانین و نظامات جاری به عهده دوایر سجل احوال مقرر است انجام دهند، از جمله این وظایف ثبت واقعه ازدواج است که در ماده ۱ قانون راجع به ازدواج به آن به این عبارت تصحیح گردیده است. بنابراین در حقوق ایران هم اجرای شرایط ازدواج اتباع ایران در خارجه توسط مأموران کنسولی ایران و هم اجرای تشریفات ازدواج اتباع دولت های بیگانه در ایران توسط مأموران سیاسی یا کنسولی آن دولت ها به موجب قانون پذیرفته شده و این

علاوه بر شرایطی است که ممکن است در عهد نامه دو جانبه دولت ایران با دولت های خارجی در این باره انعکاس یافته باشد (نیساری، ۱۳۹۲: ۳۷).

تعارض قوانین طلاق در حقوق فرانسه

طلاق در حقوق قدیم فرانسه به علل و جهات مذهبی شناخته نشده بود و محاکم کلیسایی که در امور حقوق خصوصی تنها مقام صلاحیتدار بودند فقط در امر ازدواج مداخله می کردند و قوانین مذهبی به استناد تفسیری که از متون انجیل میکرد طلاق را منع کرده و حرام میدانست. مراجع مذهبی فقط افتراق جسمانی را جایز می دانست این وضع در نتیجه افکار و عقاید تازه ای که بر اثر ظهور دانشمندان و فلاسفه در قرن ۱۷ به وجود آمد متحول گردید و قواعد مذهبی که تا آن وقت وحدتی داشت درهم شکسته شد و در دوره اصلاحات موضوع طلاق که لزوم آن روز به روز بیشتر احساس می شد مورد بحث قرار گرفت. قانون طلاق در فرانسه در سال ۱۷۹۲ به تصویب مجمع قانونگذاری رسید ولی به علت پیشبینی شرایط سنگین مانند محدودیت سنی برای تقاضای طلاق، شوهر بیش از ۲۵ سال و زن بیش از ۲۱ سال و کمتر از ۴۵ سال، گذشت مدت ۲ سال از شروع ازدواج، محدودیت های تقاضای طلاق (۴ بار در سال) و بالاخره حل کلیه اختلافات مالی و تخصیص نصف دارایی زوجین به فرزندان حاصل از ازدواج و غیره، قانون طلاق عملاً قابل اجرا نبود. قانون جدید در ۵ دسامبر ۱۹۷۵ به تصویب رسید و از اول ژانویه ۱۹۷۶ به اجرا درآمد. در این قانون که محصول تلاش سالیان دراز حقوقدانان و مطالعات تطبیقی آن ها بوده سعی شده برای مشکلات قانون سابق طلاق، راه حل منطقی ارایه شود (نیساری، ۱۳۹۲: ۵۶).

در قانون مدنی فرانسه سه نوع طلاق پیشبینی شده است (مواد ۲۲۹ تا ۳۱۵)

۱- طلاق بر اساس رضایت.

۲- طلاق به علت عدم تمکین.

۳- طلاق به علت رها کردن زندگی (نیساری، ۱۳۹۲: ۵۶).

در حقوق فرانسه، در صورتی که زوجین دارای تابعیت مشترک باشند، همچون سایر موضوعات مربوط به احوال شخصیه، قانون ملی زوجین بر طلاق و تفریق جسمانی حاکم است. این قاعده از زمان تصویب قانونی در ژوئیه ۱۹۷۵ متحول گشته است. به موجب این قانون طلاق و تفریق جسمانی تحت یکی از زوجین تبعه فرانسه باشد، یک یا هر دو زوج اقامتگاهشان در سرزمین فرانسه: حکومت قانون فرانسه است، وقتی که باشد، هیچ قانون خارجی صالح شناخته نمی شود به شرط آن که دادگاه های فرانسه برای شناسایی طلاق و تفریق جسمانی صالح باشند (نیساری، ۱۳۹۲:

تعارض قوانین طلاق در حقوق ایران

طلاق در حقوق ایران ایقاعی تشریفاتی است که به موجب آن شوهر، به اذن یا حکم دادگاه همسر دائمی خود را رها می سازد (کاتوزیان، ۲۱۹:۱۳۹۰). بنابراین طلاق برخلاف سایر ایقاعات که غیرتشریفاتی می باشد دارای تشریفاتی بوده و می بایست با اظهار نظر صیغه خاص و در حضور شهود عادل از طرف شوهر یا وکیل وی انشان گردد. مطابق ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی اظهار صیغه خاص طلاق و اشهداد و استماع صیغه به وسیله شهود جز شرایط ماهوی طلاق بوده و طلاق بدون این سه شرط، فاقد هر گونه آثار حقوقی در ایران خواهد بود. پس در حقوق ایران، نکاحی که مبنای طلاق قرار می گیرد اولاً، باید به صورت دائمی منعقد شده باشد، دوماً می بایست در لحظه انعقاد عقد، نکاح به صورت صحیح واقع شده باشد. یعنی حق طلاق فقط نسبت به ازدواج صحیح قابل اعمال است و اگر ازدواجی به صورت صحیح واقع نشده باشد نمی توان آثاری نظیر حق طلاق را بر آن مترتب کرد (نیساری، ۱۳۹۲: ۵۶).

طلاق در حقوق ایران، ایقاعی تشریفاتی یعنی عمل حقوقی یکطرفه از جانب مرد است مرد «که خود نیازمند انجام تشریفاتی می باشد. این نتیجه را می توان از مواد ۱۱۳۳ و ۱۱۳۴ ق.م. گرفت. برحسب ماده ۱۱۳۳ طلاق باید به صیغه طلاق و در حضور لاق « و مطابق ماده ۱۱۳۴ ». می تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد. بنابراین از شرایط شکلی طلاق یکی اداء صیغه طلاق؛ دیگری حضور «. دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد لاق دو نفر مرد عادل می باشد به طوری که صیغه طلاق را به درستی بشنوند (نیساری، ۱۳۹۲: ۵۷) قانونگذار ایران در ماده ۶ ق.م. از طلاق نیز در کنار ازدواج، از جمله مصادیق احوال شخصیه نام برده و طلاق اتباع ایران را اگر چه مقیم خارجه باشند تابع قانون ایران دانسته است. در ماده ۷ ق.م. احوال شخصیه اتباع بیگانه در ایران تابع قانون کشور متبوع خودشان تلقی شده است و چون طلاق از موارد احوال شخصیه است بنابراین طلاق آنان نیز تابع قانون کشور متبوعشان محسوب می گردد. قاعده مندرج در ماده ۶ و ۷ قانون ایران در واقع در مورد شرایط ماهوی طلاق از جمله قصد و رضا و یا علل و جهات قانونی برای طلاق بوده و نه در مورد شرایط شکلی آن که تابع قاعده منعکس در ماده ۹۶۹ ق.م. می باشد (نیساری، ۱۳۹۲: ۵۹).

جدول ۱. خلاصه ای از برخی تعارض های قوانین ازدواج در حقوق ایران و فرانسه

قوانین ازدواج	حقوق ایران	حقوق فرانسه
قانون حاکم بر شرایط شکلی ازدواج	شرایط شکلی ازدواج از سوی قانونگذار تعیین گردیده، بدون آن که برای این شرایط در درستی ازدواج اعتباری شناخته شود.	شرایط شکلی ازدواج در اصل تابع قانون محل وقوع آن است.
قاعده محل وقوع عقد	تابع قاعده ای مستقل یعنی قانون محل وقوع است.	تابع قانون محل وقوع است.
اجرای تشریفات ازدواج توسط ماموران کنسولی	به ماموران سیاسی یا کنسولی دولت های بیگانه اجازه داده می شود به اجرای عقد نکاح اتباع دولت های متبوع بپردازند.	ماموران سیاسی و کنسولی در کشورهایی که به موجب آیین نامه دولت فرانسه معین می شوند مجازند به اجرای مراسم ازدواج اتباع فرانسه مبادرت نمایند و ازدواج های اتباع کشورهای بیگانه هم که در تشریفات آن ها در فرانسه از سوی ماموران سیاسی و کنسولی آن کشور به اجرا گذارده شده معتبرند.

تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند. و مبتنی بر تابعیت و در ایران اجازه اولیا نیز شرط اصلی است.		شرایط ماهوی ازدواج
تابع قانون فرانسه	تابع قانون ایران	ازدواج اتباع بیگانه در کشور
همسران متقابلاً ملزم به وفاداری، کمک و معاونت به یکدیگر، تعهدده پرداخت نفقه به همسر هم متوجه شوهر و هم زن است	ریاست مرد در خانواده، اختیار مرد در تعیین مسکن مشترک، ارزام شوهر به تامین نفقه به زن، مشروط بودن حق زن نسبت به نفقه به تمکین وی از شوهر	قانون حاکم بر روابط شخصی زوجین
مشمول قانون اقامتگاه	قانون مقرر دادگاه	ازدواج اشخاص بی تابعیت



جدول ۲. خلاصه ای از برخی تعارض‌های قوانین طلاق در حقوق ایران و فرانسه

قوانین طلاق	حقوق ایران	حقوق فرانسه
قانون حاکم بر شرایط شکلی طلاق	تشریفات طلاق در حقوق ایران از شرایط صحت طلاق به شمار می‌آید و اگر این تشریفات رعایت نشده باشد طلاق محکوم به بطلان است و تابع قانون محل دادگاه می‌باشد.	شرایط شکلی طلاق در اصل تابع قانون محل وقوع آن است.
قانون حاکم بر طلاق و جدایی قانونی	قانون حاکم بر طلاق قانون کشوری که در زمان توافق محل زندگی معمول زوجین است و قانع کشوری که پیش از آن محل زندگی معمول زوجین بوده است	قانون حاکم بر طلاق و جدایی قانونی
شرایط ماهوی طلاق	طلاق زوجین ایرانی در ایران و خارج از کشور در قانون ایران مقرر می‌گردد. و در فرانسه زوجین دارای تابعیت مشترک قانون ملی زوجین بر طلاق و تفریق جسمانی حاکم است.	شرایط ماهوی طلاق
طلاق اتباع بیگانه در کشور	قانون ملی زوجین و تابع قانون ایران	تابع قانون فرانسه
قانون حاکم بر روابط شخصی زوجین	ریاست مرد در خانواده، اختیار مرد در تعیین مسکن مشترک، ارزام شوهر به تامین نفقه به زن، مشروط بودن حق زن	همسران متقابلاً ملزم به وفاداری، کمک و معاونت به یکدیگر، تعهد پرداخت نفقه به همسر هم متوجه

شوهر و هم زن است	نسبت به نفقه به تمکین وی از شوهر	
مشمول قانون اقامتگاه	قانون ایران به عنوان قانون مقر دادگاه	طلاق اشخاص بی تابعیت

نتیجه گیری

احوال شخصیه از مباحث مهم حقوق بین الملل خصوصی است که تحت تاثیر تابعیت اشخاص ایت و قوانین کشورهای مختلف در مورد نحوه به دست آوردن و از دست دادن تابعیت احکام متفاوتی دارد. ازدواج و طلاق از مهم ترین مصادیق احوال شخصیه می باشد و تعیین قانون حاکم بر آن ها در مواردی که امکان اجرای قاعده اعمال قانون ملی وجود نداشته باشد و یا مانعی در اجرای ان ایجاد گردد دارای اهمیت می باشد. احوال شخصیه از اصطلاحات حقوق معاصر و مقتبس از حقوق فرانسه است که در حقوق داخلی و حقوق بین الملل خصوصی ایران دارای اهمیت زیادی است؛ زیرا از لحاظ حقوق داخلی فقط احوال شخصیه ایرانیان شیعه تابع قانون مدنی ایران است و احوال شخصیه سایر ایرانیان غیر شیعه تابع مقررات مذهبی است. احوال شخصی یا احوال شخصیه، اصطلاح حقوقی است به معنی مجموع اوصاف و خصوصیات که وضع و هویت شخص و حقوق و تکالیف او را در خانواده و اجتماع معین می کند. مصادیق احوال شخصیه در قوانین همه کشورها یکسان نیست، ولی اصولا موضوعاتی است که به اعتبار شخصیت فرد وضع شده، و معمولا شامل مسائلی چون نکاح، طلاق، اهلیت، وصیت، ارث، فسخ نکاح، حضانت، قیمومت، ولایت، نفقه اقارب، نسب و مانند آن است. احوال شخصیه از اصطلاحات حقوق معاصر و مقتبس از حقوق فرانسه است که نویسندگان گُدسیویل، یا مجموعه قوانین مدنی فرانسه با وضع آن تحولی در حقوق فرانسه و سایر کشورها به وجود آوردند. قبل از آن در فرانسه احوال شخصیه را تابع قانون اقامتگاه می دانستند و حتی عده ای از علمای حقوق فرانسه برای اجتناب از این که قانون بیش از اندازه دستخوش تغییر و تحول نباشد، اقامتگاه اصلی یک را ملاک عمل می دانستند، نه اقامتگاه فعلی دو را. در حقوق ایران جایگاهی برای اقامتگاه در نظر گرفته نشده است در مواردی نیز که به هر دلیل امکان اعمال قانون ملی افراد وجود نداشته باشد، قانون ایران به عنوان قانون مقر دادگاه اجرا می گردد.

قانون حاکم بر شرایط شکلی ازدواج در حقوق ایران از سوی قانونگذار تعیین گردیده ، بدون آن که برای این شرایط در درستی ازدواج اعتباری شناخته شود و در حقوق فرانسه شرایط شکلی تابع قانون

محل وقوع آن است. در حقوق ایران و فرانسه هر دو قاعده محل وقوع عقد تابع قاعده ای مستقل از محل وقوع است. همچنین شرایط ماهوی ازدواج ایران و فرانسه تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته و مبتنی بر تابعیت می باشد. همچنین در ارتباط با طلاق در حقوق ایران قانون حاکم بر طلاق زوجینی که اختلاف تابعیت دارند قاعده ای وضع نکرده و از نظر حقوق دانان ایرانی با توجه به وحدت ملاک ماده ۹۶۳ قانون مدنی بر اعمال قانون ملی شوهر می باشد و در حقوق فرانسه بین زوجینی که اختلاف تابعیت داشتند قانون اقامتگاه مشترک زوجین بود و در صورتی که زن و شوهر اقامتگاه مشترک نداشته باشند طلاق تابع قانون فرانسه است.



منابع و مأخذ

- امینی آشوب، رحمت اله، موانع نکاح در حقوق ایران و فرانسه، مجموعه حقوقی، ۱۳۸۰، دوره سوم، شماره ۲۳، ص ۹۷۱-۹۷۲.
- الماسی، نجاد علی، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، میزان، ۱۳۸۳.
- الماسی، نجاد علی، ۱۳۸۸، تعارض چند قانون ملی در مورد ازدواج و طلاق، فصلنامه مفید، شماره ۲۶.
- انصاری، مسعود، طاهری، محمد علی، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، محراب، ۱۳۸۴.
- پورمجاهد، میلاد، تعارض قوانین و طلاق در مذاهب خمس و قواعد حاکم بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۵، گرایش فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ذرعچی، شبینم و محمدرضا مرندي، تعارض قوانین در ازدواج و طلاق، همایش بین المللی حقوق و فقه اسلامی، ۱۳۹۶، بابل، مرکز همایش های کوشا گستر.
- سوکی، آذر، قاعده حل تعارض ایرانی در خصوص طلاق بیگانگان در ایران، نامه الهیات، ۱۳۸۷، دوره سوم، شماره ۲۷، ص ۱-۱۰.
- شفایی، عبدالله، احوال شخصیه در فقه و حقوق، کاوشی نو در فقه اسلامی، ۱۳۸۲، دوره ۱۹، شماره ۳۵، ص ۲۲۷-۲۶۴.
- عزیزی، مجتبی، احوال شخصیه، مباحث و مقالات حقوقی، تهران، ۱۳۸۷.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
- نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۷.
- نیساری، خدیجه، تعارض قوانین در مورد ازدواج و طلاق فرانسه، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۲، حقوق خصوصی، دانشگاه گیلان.
- Batiffol (H) et Lagard (p): Droit international prive, T2, 7e ed, L.G .D.J, 1981.